یادداشت روز

چه دادیم و چه گرفتیم؟!

پرسیدن که عیب نیست. مخصوصا از کسانی که «دانستن را حق مردم» می‌دانند! و طی سه دهه گذشته بارها بر این «حق» اصرار ورزیده‌اند. از این روی، پرسشی که در پیش است و آنچه این نوشته در پیوست خود دارد، نباید دولتمردان محترم را آزرده‌خاطر کند و یا این تلقی را پدید آورد که قرار است زحمات متراکم و روزهای پرکار آنها نادیده گرفته شود. پرسش درباره سفر نیویورک است، سفری که طی چند روز گذشته پیرامون دستاوردهای آن تبلیغات پرحجم و گسترده‌ای شده و این تبلیغات کماکان ادامه دارد. پرسش اما، این است که جناب رئیس‌جمهور محترم و هیئت همراه ایشان در سفر نیویورک و در تعامل با آمریکا و متحدانش «چه داده‌اند و چه گرفته‌اند»؟ و در این‌باره گفتنی‌هایی هست؛

۱- سخنرانی آقای دکتر روحانی رئیس‌جمهور محترم کشورمان در مجمع عمومی سازمان ملل متحد و مصاحبه‌های بعدی ایشان با رسانه‌های آمریکایی، اگرچه در برخی از موارد که به آن اشاره‌ای گذرا خواهیم داشت، خالی از کاستی نبود ولی در مجموع می‌توان اظهارات جناب روحانی را در تاکید بر سیاست‌های کلان نظام، حمایت و دفاع از حقوق مردم شریف ایران و استدلال‌ها و مستنداتی که برای این منظور ارائه کرده بودند، مثبت ارزیابی کرده و مخصوصا بخش‌هایی از آن را شایسته تقدیر دانست. این بخش از سخنان رئیس‌جمهور محترم کشورمان با عصبانیت دشمنان تابلودار ایران اسلامی، مخصوصا رژیم صهیونیستی روبرو شد تا آنجا که نتانیاهو با شتابزدگی به اوباما و دولتمردان آمریکایی هشدار داد «فریب لفاظی‌های روحانی را نخورند»! لحن آرام و اظهارنظرهای آمیخته به آرامش آقای روحانی در سخنرانی‌ها و مصاحبه‌ها، مخصوصا آنجا که با استدلال منطقی و محکم همراه بود نیز - که نمونه‌های فراوانی از این دست را می‌توان آدرس داد- تحسین‌برانگیز بود. اما لحن ملایم رئیس‌جمهور محترم کشورمان و نشانه‌ها و پیام‌هایی که از خواست جدی ایشان برای فرو ریختن دیوار بلند بی‌اعتمادی میان ایران و آمریکا حکایت می‌کرد نه فقط غیر از «وعده‌های نسیه» و لفاظی‌های بی‌پشتوانه مقامات آمریکایی هیچ دستاورد دیگری به دنبال نداشت بلکه به گونه‌ای که اشاره خواهیم کرد کفه مواضع طلبکارانه و خواسته‌های باج‌خواهانه حریف را نیز سنگین‌تر کرد.

۲- متاسفانه نرمش رئیس‌جمهور محترم کشورمان در مقابل حریف، تنها به لحن ایشان در گفتار خلاصه نشده بود بلکه جناب روحانی - شاید بی‌آن که متوجه باشند و یا بخواهند - در برخی از مواضع خود به گونه‌ای سخن گفتند که از دیپلمات کارکشته و پرسابقه‌ای نظیر ایشان دور از انتظار بود. آقای روحانی در پاسخ به خبرنگار سی.ان.ان که نظر ایشان را درباره «هولوکاست» پرسیده بود، به اظهارات قبلی خود دراین‌باره اشاره کرده و گفتند؛ من دیپلمات هستم و نه مورخ و دراین‌باره - هولوکاست - باید مورخان نظر بدهند. این در حالی است که جناب روحانی می‌توانست با استفاده از این پاس - به قول والیبالیست‌ها - آبشار محکمی بر زمین حریف بکوبد و در ادامه پاسخ خود اضافه کند «البته تعجب می‌کنم که چرا به هیچ مورخی اجازه تحقیق و بررسی در این زمینه داده نمی‌شود.» این پرسش می‌توانست توپ هولوکاست را در میدان حریف بیندازد و جناب روحانی باید می‌دانستند که ممنوعیت تحقیق درباره هولوکاست یکی از پاشنه آشیل‌های به شدت آسیب‌پذیر صهیونیست‌ها و غرب است.

و یا در سخنان دیگری به عنوان یک نظر تعیین‌کننده و برگ برنده! پیشنهاد دادند که اسرائیل (!) نیز باید به معاهده NPT بپیوندد. این پیشنهاد ایشان به نوشته روزنامه صهیونیستی «هاآرتص» هیئت‌های سیاسی را «بهت‌زده» کرد. چرا، زیرا پیشنهاد آقای روحانی، «امتیاز» بزرگی بود که رژیم صهیونیستی به عنوان یک آرزو دنبال می‌کند و آن، به رسمیت شناختن موجودیت اسرائیل است!

۳- مروری گذرا بر مواضع رسما اعلام شده مقامات آمریکایی به وضوح نشان می‌دهد که حریف نه فقط در مقابل نرمش‌ها و امتیازات ارائه شده از سوی رئیس‌جمهور محترم کشورمان هیچ امتیازی - تاکید می‌شود که هیچ امتیازی - نداده است، بلکه این نرمش و تسامح را به حساب نیاز جمهوری اسلامی نوشته و به روال بارها تجربه شده، به جای امتیاز در مقابل امتیاز، بر مطالبات باج‌خواهانه خود از جمهوری اسلامی ایران نیز افزوده است.

آقای ظریف بعد از مذاکره با وزرای خارجه ۱+۵ و گفت‌وگوی اختصاصی و جداگانه با وزیر امور خارجه آمریکا، از مذاکرات ابراز خشنودی کرد و توضیح داد که ظرف حداکثر یکسال همه مسائل حل شده و تحریم‌ها برداشته می‌شود. اما جان کری، بلافاصله بعد از این نشست در مصاحبه با خبرنگاران، فهرستی طولانی از مطالبات غیرقانونی آمریکا را مطرح کرد و بی‌آن که بگوید آمریکا در مقابل این مطالبات فراقانونی، غیر از لفاظی چه امتیازی را روی میز می‌گذارد گفت؛ اقدامات عملی ایران برای اعتمادسازی می‌تواند شامل دسترسی سریع بازرسان به تأسیسات فردو، امضای پروتکل الحاقی، توقف داوطلبانه غنی‌سازی در حد بالا و... باشد. خبرگزاری رویترز به نقل از اعضای کنگره آمریکا نوشت؛ «بیشتر اعضای کنگره، [آقای] حسن روحانی را فریبکار می‌دانند»! «ادرویس» رئیس کمیته امور خارجی مجلس نمایندگان آمریکا اعلام کرد «ما می‌توانیم از طریق تحریم‌های فلج‌کننده به اعمال فشار بیشتر بر ایران ادامه دهیم! کاترین اشتون پس از پایان مذاکره با هیئت ایرانی گفت؛ در بسته پیشنهادی ۱+۵ تغییری ایجاد نشده است! رابرت مننذز رئیس کمیته روابط خارجی سنا اعلام کرد که باید بر شدت تحریم‌ها علیه ایران افزوده شود، تعدادی از نمایندگان کنگره، از جمله «لیندسی گراهام» و «مک کین» با صدور بیانیه‌ای خطاب به اوباما، نوشته‌اند «ما نباید به ایران اجازه بدهیم از چانه‌زنی به عنوان ابزار فریب و خرید وقت استفاده کند»! و دهها نمونه دیگر که در گزارش‌ها و ستون اخبار ویژه امروز کیهان به مواردی از آنها - فقط به عنوان مشتی از خروارها - اشاره شده است.

و اکنون باید از رئیس‌جمهور محترم و هیئت بلندپایه همراه ایشان پرسید که آیا می‌توانند فقط به یک نمونه از واکنش مثبت و حاکی از امتیاز مقامات رسمی حریف که در پاسخ به «نرمش»! جناب روحانی ارائه شده باشد اشاره کنند؟! اگر پاسخ منفی است - که منفی است - دستاورد سفر چیست؟!

۴- آخرین بخش از سفر نیویورک که باید آن را تأسف‌بارترین پرده و بزرگترین امتیازی دانست که رئیس‌جمهور محترم کشورمان به حریف داده است، مکالمه تلفنی ایشان با رئیس‌جمهور آمریکاست که در آخرین دقایق حضور رئیس‌جمهور کشورمان در نیویورک و هنگام ترک آمریکا به سوی ایران صورت پذیرفته بود. این رخداد از دو زاویه قابل ارزیابی است؛

الف: خانم سوزان رایس، مشاور امنیت ملی آمریکا بلافاصله بعد از انجام مکالمه تلفنی یاد شده در مصاحبه با سی.ان.ان گفت؛ تماس تلفنی با اوباما به درخواست آقای روحانی صورت پذیرفته و تاکید کرد این درخواست برای ما تعجب‌آور بود. رایس می‌گوید؛ ما در اوایل هفته که اوباما در نیویورک بود تمایل خود را برای ملاقات وی با روحانی اعلام داشتیم اما طرف ایرانی نپذیرفت، ولی امروز - جمعه - در کمال تعجب از طرف آنها با ما تماس گرفته و اعلام شد که رئیس‌جمهور روحانی تمایل دارد در حالیکه می‌خواهد از نیویورک خارج شود با اوباما تماس تلفنی داشته باشد. از سوی دیگر اما، آقای روحانی هنگام ورود به تهران اعلام کرد که درخواست مکالمه از سوی آمریکا بوده است.

و اکنون سوال این است که اگر درخواست مکالمه از سوی آقای روحانی بوده است، آیا نسبت دادن آن به آمریکایی‌ها با شعار «دولت راستگویان» در تناقض نیست؟! و چنانچه این درخواست از سوی آمریکایی‌ها بوده است، نشان‌دهنده آن است که دولت آمریکا حتی در حد و اندازه اعلام‌نظر درباره یک مکالمه تلفنی هم صداقت نداشته و قابل اعتماد نیست، بنابراین پرسش بعدی آن است که جناب روحانی و هیئت بلندپایه همراه ایشان با چه تحلیل و تفسیری از ضرورت اعتماد به آمریکا یاد کرده و با آنهمه تبلیغات گسترده و پرحجم از تعامل اعتمادساز آمریکا به عنوان یکی از دستاوردهای سفر نیویورک یاد می‌کنند؟! و این چه «گام اعتمادسازی»! است که هیچیک از طرفین تماس حاضر نیستند مسئولیت آن را برعهده بگیرند؟!

ب: ممکن است گفته شود مگر یک تماس تلفنی صرفنظر از آن که کدام طرف در انجام آن پیشقدم شده است، چه امتیازی برای حریف تلقی می‌شود که در این‌باره باید گفت؛ آمریکا طی سی و چند سال گذشته و مخصوصا طی چند سال اخیر به مذاکره با ایران اسلامی نه برای حل و فصل مسائل فیمابین بلکه به «مذاکره برای مذاکره» نیاز مبرم و حیاتی داشته است، چرا که به وضوح می‌داند و بارها به صراحت اعتراف کرده است که انقلاب‌های اسلامی منطقه و نهضت‌های مقاومت از ایستادگی ایران اسلامی الگو گرفته‌اند بنابراین بلافاصله پس از مذاکره، می‌تواند انجام آن را با این پیوست برای دنیا و جهان اسلام - یعنی عقبه استراتژیک جمهوری اسلامی ایران - فاکتور کند که اگر الگوی شما ایران است، جمهوری اسلامی ایران نیز در نهایت و پس از سی و چند سال مقاومت چاره‌ای جز تسلیم شدن در برابر آمریکا و متحدانش نداشته است! فقط نگاهی به انبوه تفسیرها و تحلیل‌ها و گزارش‌های منتشر شده از سوی رسانه‌ها و مقامات آمریکایی و صهیونیستی بیندازید و ببینید که چگونه از مکالمه تلفنی مورد اشاره با عنوان «تسلیم ایران اسلامی»! و ضعف و ناچاری ناشی از فشار تحریم‌ها یاد کرده‌اند؟!

۵- و بالاخره گفتنی است که انتظار گشایش اقتصادی از مذاکره و رابطه با آمریکا نهایت ساده‌لوحی است و به این نکته و مستندات آن خواهیم پرداخت.

حسین شریعتمداری

سفیر کشورمان در سازمان منع سلاح‌های شیمیایی:

ایران خواستار محو کامل سلاح‌های کشتار جمعی است

سفیر ایران در سازمان منع سلاح‌های شیمیایی با بیان اینکه رژیم صهیونیستی هیچ بهانه‌ای برای توسعه سلاح‌های کشتار جمعی ندارد، تاکید کرد: سیاست اصولی ایران پایبندی به محو کامل سلاح‌های کشتار جمعی است.

کاظم غریب‌آبادی، سفیر و نماینده دایم ایران نزد سازمان منع سلاح‌های شیمیایی در سخنانی در نشست اضطراری این سازمان، اظهار داشت: ایران به عنوان کشوری که قربانی کاربرد سلاح‌های شیمیایی است و هنوز بسیاری از شهروندان بی‌گناه این کشور سال‌هاست درد و رنج ناشی از آثار آن را تحمل می‌کنند، از استفاده از سلاح‌های شیمیایی در درگیری‌های داخلی سوریه بسیار متاثر شده است. مایه تاسف است که با وجود هنجارهای بین‌المللی نظیر کنوانسیون منع سلاح‌های شیمیایی و پس از ۱۶ سال از لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون، سلاح‌های شیمیایی همچنان در درگیری‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند.

وی افزود: ما کاربرد سلاح‌های شیمیایی توسط هر کسی و در هر جا و تحت هر شرایطی را به شدیدترین شکل ممکن محکوم می‌کنیم. چنین اقدامی نقض آشکار هنجارهای حقوق بین‌المللی است. سیاست اصولی ایران اعتقاد عملی و پایبندی به محو کامل تمامی سلاح‌های غیرانسانی کشتار جمعی از جمله ذخایر سلاح‌های شیمیایی در جهان به ویژه در منطقه حساس خاورمیانه است. همواره تاکید کرده‌ایم که شرط استقرار صلح، امنیت و آرامش در خاورمیانه عاری کردن این منطقه از سلاح‌های کشتار جمعی بدون تبعیض و برای تمام منطقه است.

سفیر کشورمان در بخشی دیگر از سخنان خود تصریح کرد: ایران از همکاری مثبت، به موقع و سازنده دولت سوریه با تیم تحقیقاتی به ویژه در ارتباط با حادثه ۲۱ اوت استقبال می‌کند و در همین ارتباط تاکید می‌کند که تکمیل تحقیقات تا تهیه گزارش نهایی از تمام حوادث و مشخص کردن مرتکبان این جنایت باید ادامه یابد.

غریب‌آبادی با استقبال از الحاق سوریه به کنوانسیون منع سلاح‌های شیمیایی، این اقدام سوریه را گامی مهم و تعیین‌کننده در تحقق جهان‌شمولی کنوانسیون توصیف کرد و گفت: انتظار داریم اقدام سوریه الگویی باشد برای سایر غیر اعضا به ویژه رژیم صهیونیستی که با قید فوریت و بدون هیچ پیش شرطی به عضویت کنوانسیون درآیند و نسبت به اجرای آن اقدام کنند. سلاح‌های کشتار جمعی رژیم صهیونیستی موجب نگرانی جدی کشورهای منطقه و جهان بوده و مخل صلح و امنیت بین‌المللی و منطقه‌ای است. عضویت این رژیم در کنوانسیون و سایر معاهدات خلع سلاحی، برای استقرار صلح و ثبات در منطقه از اهمیت اساسی برخوردار است. ما معتقدیم با پیوستن سوریه به کنوانسیون منع سلاح‌های شیمیایی، رژیم صهیونیستی هیچ بهانه‌ای برای نگهداری و توسعه سلاح‌های کشتار جمعی خود ندارد.

در سی و سومین نشست اضطراری شورای اجرایی سازمان منع سلاح‌های شیمیایی که در مقر این سازمان در لاهه برگزار شد، کشورهای عضو سازمان درباره انهدام سلاح‌های شیمیایی سوریه تصمیم‌گیری کردند.

گفتنی است، شورای اجرایی سازمان منع سلاح‌های شیمیایی مسئولیت دارد تا درباره کشورهای غیر عضوی که دارای سلاح شیمیایی هستند و پس از ۲۰۰۷ به کنوانسیون ملحق می‌شوند، اقدامات سخت‌گیرانه راستی‌آزمایی تصویب کند.

گفت و شنود

دستاورد

گفت: مقامات آمریکایی در مقابل نرمش‌ها و امتیازات نقد هیئت دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران، فقط وعده‌های نسیه داده‌اند.

گفتم: مرد حسابی! وعده نسیه هم نداده‌اند! همان مطالبات غیرقانونی و باج‌خواهانه خود را مطرح کرده و چند فقره دیگر هم به آن افزوده‌اند!

گفت: ولی هیئت دیپلماتیک کشورمان از دستاوردهای بزرگ خبر می‌دهد.

گفتم: چه عرض کنم؟! به آدم قالتاق و شارلاتانی گفتند دوتا خواهش از تو داریم اول آن که ۱۰ میلیون تومان به ما قرض بدهی، دوم این که برای پرداخت آن ۲ سال مهلت بدهی و یارو گفت؛ یکی از خواسته‌های شما را برآورده می‌کنم. پول که حرفش را نزنید ولی «مهلت» هر چه بخواهید می‌دهم. دو سال چیه؟! ده سال، بیست سال، اصلا هزار سال مهلت می‌دهم که حسابی حالش را ببرید!

طرح رسیدگی به دارایی مقامات در جلسه مجمع تشخیص مصلحت بررسی شد

مصوبه مجلس شورای اسلامی درباره طرح رسیدگی به دارایی مقامات، مسئولان و کارگزاران جمهوری اسلامی ایران که به دلیل ایراد شورای نگهبان، مورد اختلاف واقع شده بود، برای تصمیم‌گیری نهایی در دستور جلسه دیروز مجمع تشخیص مصلحت نظام قرار گرفت.

در ابتدای جلسه مجمع تشخیص مصلحت نظام، هاشمی رفسنجانی با یادآوری سالگرد شروع تجاوز رژیم بعث عراق و حامیانش به ایران و دفاع جانانه سلحشوران ارتش، سپاه و بسیج و به ویژه نیروهای مردمی از اول تا آخر دفاع مقدس و با قدردانی از جانفشانی‌ها و شهامت‌ها و نتایج درخشان آن، از شهدا و جانبازان و از سرافرازی آزادگان و جاویدالاثرها و عموم ایثارگران پشت جبهه و خانواده مکرم ایثارگران گفت: امروز تحقق وعده نصر الهی را با ملاحظه سرنوشت متجاوزان و حامیانشان و رکن پنجم در خدمت دشمن را بالعیان می‌بینیم و نصر دیگر موعود الهی را در دستاوردهای سفر رئیس جمهور و همراهان به نیویورک مشاهده می‌کنیم.

وی بدون توضیحی مشخص درباره آنچه که دستاوردهای سفر به نیویورک خواند با ابراز رضایت و خرسندی از مجموعه برنامه‌های سفر دکتر روحانی رئیس جمهور به نیویورک، گفت: آنچه که تاکنون در برنامه‌های سفر مشهود است، نشان خوبی از شروع راه‌حلی عادلانه برای رفع بهانه‌گیری‌ها و حل مشکلات سیاست خارجی کشور است.

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، با اشاره به اینکه هرچند نباید عجولانه در مورد دستاوردهای این سفر قضاوت کرد و باید منتظر گام‌های عملی و عینی اظهارات بود، ولی مجموعه برنامه‌ها، اظهارات، دیدارها و گفت‌وگوها، می‌تواند مقدمه و پیش‌درآمد خوبی برای گام‌های بعدی حل مسائل، ابهامات و خنثی‌کننده دشمنی‌های احتمالی آینده باشد که باید شاکر لطف خداوند باشیم که همواره حافظ انقلاب و نظام اسلامی و مردم بوده است.

هاشمی رفسنجانی تأکید کرد: مردم وفادار و قدرشناس ایران، پشتیبان اقدامات منطقی و خدمات واقعی مسئولان کشور خواهند بود.

به گزارش خبرگزاری‌ها، در این جلسه که علاوه بر سران قوای قضائیه و مقننه و اکثریت اعضا، وزیر اطلاعات، وزیر دادگستری، معاون حقوقی قوه قضائیه، قائم مقام وزیر کشور، قائم مقام سازمان بازرسی کل کشور، عضو حقوقدان شورای نگهبان و نایب رئیس کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی نیز حضور داشتند، پس از استماع استدلالات شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی، اعضا و مدعوین در خصوص طرح رسیدگی به دارایی مقامات، مسئولان و کارگزاران جمهوری اسلامی ایران به بحث و بررسی‌های مبسوط پرداختند و مقرر شد این طرح به دلیل گستردگی شمول آن، برای جمع‌بندی نتایج مباحث و اعمال نظرات، استدلالات و پیشنهادات اعضای مجمع و اصلاح اشکالات و ابهامات وارده، به کمیسیون حقوقی و قضایی مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع داده شود.

نخست‌وزیر ژاپن: روحانی درباره برنامه هسته‌ای ایران صادق است

نخست‌وزیر ژاپن با اشاره به اینکه رئیس‌جمهور ایران درباره برنامه هسته‌ای کشورش صادقانه قصد ایجاد اعتماد را دارد، تاکید کرد که حسن روحانی آماده است تا با جامعه بین‌المللی همکاری داشته باشد.

«شینزو آبه» تصریح کرد: بیایید صادق باشیم، تصور من این است که او (روحانی) آماده همکاری کامل با جامعه بین‌المللی است.

وی با بیان اینکه روحانی قصد دارد گام رو به جلو بردارد، افزود: انتظار دارم که ایران گام‌های ملموسی برای پاسخ به نگرانی‌های جامعه بین‌المللی و بازگرداندن اعتماد بردارد.

نخست‌وزیر ژاپن درباره اینکه آیا کشورش واردات نفت از ایران را افزایش می‌دهد یا نه چیزی نگفت ولی تصریح کرد که در گفت‌وگو با روحانی، طرف ایرانی را به حل مشکلات با آمریکا دعوت کرده است.

ژاپن تحت فشار آمریکا واردات نفت خود از ایران را کاهش داده و این در حالی است که پیش از تحریم‌ها ایران یکی از منابع اصلی انرژی ژاپن به حساب می‌آمد.

نخست‌وزیر ژاپن و رئیس‌جمهور کشورمان در حاشیه نشست مجمع عمومی سازمان ملل با یکدیگر دیدار و گفت‌وگو کردند.

خبر ویژه

این چه کار شرافتمندانه‌ای بود که طرفین مسئولیت آن را برعهده نمی‌گیرند؟!

گام اول اعتمادسازی میان حسن روحانی و باراک اوباما با شکست ناشی از دروغ‌پردازی مواجه شد.

اوباما جمعه شب در حالی که دکتر روحانی در حال بازگشت از سفر نیویورک بود، در تماس تلفنی از وی عذرخواهی کرد. اما این عذرخواهی برای سوابق جنایت‌ها و خیانت‌های آمریکا در طول ۶ دهه گذشته به ویژه دشمنی‌های سالیان اخیر علیه ملت ایران نبود؛ اوباما صرفا از ترافیک نیویورک عذرخواهی کرد! البته اوباما ولخرجی کرده و یک کلمه خداحافظ را هم به فارسی گفته است!

اما نکته جالب در این میان آن است که طرفین تماس هیچ یک حاضر نیستند مسئولیت آن را برعهده بگیرند و بر دوش دیگری می‌اندازند! بنابراین پیداست که این وسط یک طرف در همین اول کار اعتمادسازی و برداشتن دیوار بلند بی‌اعتمادی، دروغ گفته است. سوزان رایس مشاور امنیت ملی اوباما در مصاحبه با سی‌ان‌ان، توپ را در زمین هیئت همراه روحانی انداخت و گفت: ما در اوایل هفته تمایل خود را به دیدار مختصر غیررسمی در زمان حضور باراک اوباما رئیس‌جمهور آمریکا در مجمع عمومی سازمان ملل نشان دادیم. در حالی که ما در قبال این مسئله موضعی باز داشتیم ایرانی‌ها نشان دادند که این مسئله برای آنها پیچیده است پس چنین دیداری صورت نگرفت. ولی امروز (جمعه به وقت آمریکا) در کمال تعجب از طرف آنها با ما تماس گرفته و اعلام شد که رئیس‌جمهور روحانی تمایل دارد در حالیکه می‌خواهد از نیویورک خارج شود از طریق تلفن با رئیس‌جمهور اوباما صحبت کند. ما هم توانستیم تماس بگیریم و در این دیدار گفت‌گویی سازنده انجام شد.

در مقابل محمدرضا صادق مشاور رسانه‌ای روحانی می‌گوید: روز گذشته (جمعه) که در حال ترک هتل به سمت فرودگاه بودیم، تماس‌هایی از کاخ سفید با ما برقرار شد و آخرین این تماس‌ها روی موبایل سفیر ما بود که آقای اوباما طی این تماس این امکان را پیدا کرد که با آقای روحانی تلفنی صحبت کند.

یادآور می‌شود پیش از این علاقه‌مندی‌هایی به ملاقات اوباما و روحانی به صورت تصادفی(!) بروز داده شده بود اما آنچه این ذوق‌زدگی را کور کرد، اصرار اوباما و بان‌کی مون به پذیرایی با شراب از مهمانان بود و سوال این است که اگر حضور بر سر میز و سفره شراب به لحاظ دینی حرمت دارد- که حتما دارد- آیا حرمت دست دادن با یک جنایتکار و رئیس رژیم شیطان بزرگ کمتر از حرمت میز شراب است؟

در هر حال اقدام نسنجیده روحانی در گفت‌وگوی تلفنی با باراک اوباما ضمن آن که دادن یک امتیاز بزرگ و غیرقابل توجیه به رژیم آمریکا بود و در واقع روحانی به تله آمریکا هل داده شد، در عین حال متضمن یک نتیجه بزرگ برای طرف ایرانی است و آن اینکه مجددا ثابت شد آمریکا- حتی در حد پذیرش مسئولیت تماس تلفنی- صداقت ندارد و دروغ می‌گوید. به عبارت دیگر اگر هیئت همراه روحانی راست می‌گویند که تماس از طرف کاخ سفید برقرار شده و حالا زیر اقدام خود می‌زنند در واقع با این کار در همین بدو امر گوشی را دست آقای روحانی داده‌اند که اوباما و دولتش کمترین صداقتی ندارند و قابل اعتماد نیستند و اگر خدای نکرده راست نگفته باشند که...

در هر صورت جای این سوال باقی است که اگر اتفاق مذکور امر شرافتمندانه‌ای بوده چرا هیچ یک از دو طرف حاضر نیست مسئولیت آن را به عهده بگیرد؟!

این ماجرا بعد دیگری هم دارد و آن اینکه برخلاف تظاهر برخی محافل فعال در فتنه که مدعی‌اند مذاکره و تماس با آمریکا باعث اختلاف میان واشنگتن و تل‌آویو شده، خبرها حاکی از آن است که اوباما و نتانیاهو در این زمینه هماهنگ عمل می‌کنند. در این زمینه دو گزارش متفاوت منتشر شده، یکی مربوط به روزنامه یایمزآو اسرائیل که می‌نویسد آمریکا به دولت اسرائیل گزارش داده و آنها را در جریان تماس تلفنی اوباما با روحانی قرار داده است و دیگری گزارش رویتر است که به نقل از یک مقام ارشد آمریکا گزارش داده؛ کاخ سفید روز جمعه پیش از تماس تلفنی با حسن روحانی، نخست‌وزیر اسرائیل را از این موضوع مطلع کرده است.

همزمان یک مقام ارشد دیگر دولت آمریکا به وب سایت اسرائیلی یدیعوت آحارونوت گفته آمریکا اطمینان می‌دهد که اقداماتش برای حل پرونده هسته‌ای ایران در راستای حفظ منافع مشترک با اسرائیل صورت می‌گیرد.

یک هفته پیش نیز نیویورک تایمز و رویتر از قول سخنگوی کاخ سفید و مشاور امنیت ملی اوباما گزارش دادند دولت اوباما به نتانیاهو پیغام محرمانه داده مبنی بر اینکه مطمئن باشید در هر نوع مذاکره‌ای امتیازی به ایران نخواهیم داد و تحریم‌ها را لغو نخواهیم کرد. در واقع هیاهوی مقامات رژیم صهیونیستی در این زمینه نوعی تقسیم کار اعلام نشده میان آمریکا و اسرائیل و بازی در دو نقش پلیس خوب و پلیس بد است تا آمریکا بتواند به شکل گام به گام- که نهایت آن اعلام نمی‌شود- به تعلیق و توقف حوزه‌های مختلف برنامه هسته‌ای ایران اقدام کند.

شایان ذکر است هماهنگی مشابهی میان دولت و کنگره آمریکا برقرار است و اوباما با هماهنگی و فشار کنگره پروژه جدید را پیش می‌برد (این موضوع از سوی روزنامه یواس‌ای‌تودی تایید شده) و این در حالی است که ظاهرا آقای روحانی نمایندگان مجلس شورای اسلامی را جا گذاشته است!

و بالاخره توضیح این موضوع ضرورت دارد که برخی رسانه‌های فعال در فتنه و آشوب نیابتی سال ۸۸ در اقدامی فریبکارانه منتقدان سازش و نرمش یکطرفه با آمریکا را متهم به همسویی با نتانیاهو و رژیم صهیونیستی می‌کنند! اما صرف نظر از هماهنگی آمریکا و اسرائیل در پروژه طلبکاری یکطرفه از ایران، جا دارد بپرسیم آیا همین نتانیاهوی مفلوک در سال ۸۸ از شما فتنه‌گران حمایت نکرد و شما را سرمایه بزرگ اسرائیل نخواند و آیا شماها شعار دیکته شده سایت وزارت خارجه رژیم صهیونیستی (نه غزه نه لبنان) را در روز قدس آن سال تکرار نکردید و آیا رئیس همین رژیم کودک‌کش (شیمون پرز) نگفت که جنبش سبز به نیابت از اسرائیل با جمهوری اسلامی می‌جنگد؟!

در واقع باید گفت همین حمایت فتنه‌گران از اقدام دکتر روحانی در تماس تلفنی با اوباما- در حالی که رئیس‌جمهور فتنه‌گران را عوامل آمریکا و اسرائیل خوانده- خود سند متقنی بر خطا و دشمن پسند بودن اقدام اخیر روحانی و لطمه به مواضع خوب وی در سفر نیویورک بوده است.

خوش‌خیالی است که آمریکا تحریم‌ها را کاهش دهد

کارشناس موسسه بین‌المللی مطالعات استراتژیک گفت شکاف عمیقی میان مواضع ایران و آمریکا وجود دارد و به همین دلیل خوش‌بینی اندکی نسبت به احتمال توافق وجود دارد.

مارک فیتز پارک می‌گوید: بعید است ایران در مذاکرات با ۱+۵ پیشنهادی را بپذیرد که شامل محدود شدن برنامه هسته‌ای و حق غنی‌سازی این کشور باشد. البته اگر ایران این موضوع را بپذیرد و قبول کند که رآکتور اراک را نیز متوقف کند،این آغاز خوبی خواهد بود اما ایران می‌خواهد قابلیت هسته‌ای خود را حفظ کند و آمریکا مصمم است تا این توانمندی را از ایران بگیرد بنابراین پیدا کردن نقطه مشترک، مستلزم کوتاه آمدن است و من شک دارم که هیچ یک از دو وزیر خارجه آماده عقب‌نشینی از مواضع خود باشند.

رادیو فرانسه نیز با ادعای این که برنامه اتمی ایران در ۱۰ سال گذشته پیچیده شده و حل نگرانی‌های موجود درباره آن ظرف ۶ ماه عملا ناممکن است، گفت: روحانی در ترسیم فرصت سه تا شش ماهه برای حل برنامه اتمی ایران یا خودش را به ناآگاهی می‌زند یا این که خیلی به این مسئله خوش‌بینانه نگاه می‌کند.

تحلیلگر این رادیو گفت: «من تصور نمی‌کنم روند نزدیکی دو کشور و سرعت رفع اختلافات در حدی باشد که با نشستن وزرای خارجه دو کشور در این فرصت کوتاه نتیجه‌ای حاصل شود.

اگر انتظار داشته باشیم که اوباما برای برداشتن تحریم‌هایی که علیه ایران اعمال می‌شود کنگره را هم در طول سه ماه آینده به خط کند تا تحریم‌ها را لغو کنند، باز این نوعی خامی و خوش‌خیالی خواهد بود.»

رضا تقی‌زاده گفت: با وجود حسن‌نیت و آغوش بازی که دولت روحانی باز کرده اوباما در برخورد با کنگره قادر به کاهش سریع فشارهای مالی و اقتصادی نیست.

اما بی‌بی‌سی از زاویه دیگری به دور جدید مذاکرات پرداخت و گفت: کاترین اشتون پس از مذاکره با هیئت ایرانی گفت در بسته پیشنهادی ۱+۵ تغییری ایجاد نشده است، این بسته‌ای است که در آلماتی ۲ به ایران تسلیم شد و محتوای آن خیلی چشمگیر نبود به دلیل اینکه تنها برداشتن طلا از فهرست تحریم‌ها، تحویل قطعات هواپیما و قطعات یدکی از این دست را شامل می‌شد، در حالی که انتظار ایران تخفیف تحریم‌ها بود.

بانک مرکزی بنگاه تجاری آقای رئیس نیست!

اظهارات غیرمترقبه رئیس بانک مرکزی در مخالفت با کاهش قیمت دلار با شگفتی و اعتراض اقتصاددانان مواجه شده است.

دکتر غلامحسین خورشیدی دراین‌باره به «فردا» گفت: آقای سیف (رئیس بانک مرکزی) یک مدیر بانکی است! حقیقتا من یک مقداری تعجب کردم چرا ایشان چنین صحبتی می‌کنند. شاید ایشان به بانک مرکزی مانند یک بانک تجاری نگاه می‌کنند چون سابقه مدیریتی ایشان در بانک‌داری تجاری بوده است. ایشان باید تفکر خود را تغییر دهند. توجه کنید که بانک مرکزی به تعبیر معمول یک بانک نیست ما در تعریف آکادمیک نیز بانک مرکزی را بانک بانک‌ها یا به تعبیری بانک کنترل‌کننده سیاست‌های پولی می‌دانیم و به عبارتی دیگر بانکی است، فرابانکی. حال اگر بخواهید یک تفکر بانکی معمولی را در بانک مرکزی حاکم کنید قطعا با مشکلات متعددی روبرو خواهیم شد.

وی افزود: بانک مرکزی را باید به عنوان نهادی نگاه کرد که از سر منافع اجتماعی و منافع بین‌المللی ایران باید وظایف خود را انجام دهد اگر با این دید به بانک مرکزی نگاه کنیم ریاست محترم بانک مرکزی در زمینه جلوگیری از کاهش نرخ ارز حرف منطقی نزده‌اند. نرخ ارز هر چقدر در کشور ما کاهش پیدا کند اعتبار سیاسی و اقتصادی ما را در سطح جهانی افزایش می‌دهد حتی اگر منافعی هم از افزایش نرخ ارز عاید کشور شود این منافع خیلی کم ارزش‌تر از منافعی است که باعث می‌شود حیثیت سیاسی و اقتصادی کشورمان در جهان با افزایش نرخ ارز ابعادش کم اهمیت شود چون اندازه نرخ برابری ریال با ارزهای بین‌المللی شاخصی است برای سنجش اعتبار سیاسی و اقتصادی کشور در سطح بین‌المللی حال با چنین شرایطی رئیس کل بانک مرکزی که باید حافظ این اعتبار در سطح جهانی باشد خلاف این عمل می‌کند و من به عنوان یک اقتصاددان نمی‌توانم این عملکرد آقای سیف را توجیه کنم.

همچنین دکتر محمدابراهیم یاوری استاد دانشگاه شهید بهشتی در نامه‌ای انتقادی نوشت: بزرگواران اقتصاددان، اقتصاد خوانده و غیراقتصادی که دست بر قضا و به دست سرنوشت از زمره ژنرال‌های دولت تدبیر و امید شده‌اید! دقت داشته باشید که کوچکترین حرف و اعلام موضع شما چه از نوع سنجیده و چه از نوع نسنجیده آن می‌تواند اقتصاد کشور را دچار نوسانات سهمگینی کند.

وی می‌نویسد: شما که بیشتر از بنده و بسیاری از همکاران بنده، معتقد به اقتصاد آزاد و باز گذاشتن دست عوامل اقتصادی بازار هستید؛ پس دلیل مداخله‌های بجا و نابجا در مورد نرخ ارز برای چه منظور صورت می‌گیرد؟

اینکه به محض اینکه اقتصاد داخلی ما شاهد افزایش ارزش پول ملی می‌شود و کاهش نرخ دلار نوید اصلاح قیمت‌ها را می‌دهد، چرا بعضی از این ژنرال‌ها به مذاق‌شان خوش نمی‌آید و بلافاصله وارد میدان می‌شوند و با ارائه تئوری‌های من درآوردی نوید افزایش مجدد قیمت‌های غیرواقعی ارز را می‌دهند؟

یاوری نوشت: اگر خدای ناکرده منافع شخصی، حزبی و یا گروهی ایجاب می‌کند که در پی افزایش نرخ ارز باشید بهانه دیگری دست و پا کنید چون شرط لازم جهش صادراتی، اصلاح ساختارهای نابود شده تولید است؛ تولیدی که گل سرسبد آن خودروهای غیراستاندارد می‌باشد و تا روزی که صنعت و تولید ما صنایع خودروسازی را با همه پشتیبانی‌های منطقی و غیرمنطقی تحمل می‌کند و از بابت حفظ غیرعقلایی این صنعت دهها هزار بیمار را روانه گورستان و دهها هزار انسان سالم را روانه بیمارستان می‌کند نشان می‌دهد که هیچ هدف جدی برای این اصلاح وجود ندارد و قطعا به دنبال جهش صادراتی بودن در حد قصه و داستان باقی خواهد ماند.

شما اقتصاددانید یا حزب باد؟!

یک اقتصاددان شبه اصلاح‌طلب که از منتقدان اصلی کاهش ارزش پول ملی در دو سال اخیر بود و آن را عامل «له شدن اقشار کم‌درآمد کشور» می‌دانست، اکنون به حامی اظهارات رئیس کل بانک مرکزی درباره لزوم عدم کاهش قیمت دلار تبدیل شده است!

حسین راغفر در دوره دولت احمدی‌نژاد از منتقدان همیشگی سیاست‌های اقتصادی آن دولت محسوب می‌شد و محاسبه‌های انفرادی او درباره افزایش شدید افراد زیر خط فقر در هشت سال اخیر بارها به تیتر اول رسانه‌های مخالف دولت تبدیل می‌شد.

به گزارش مشرق، از سال ۱۳۹۰ هم که بازار ارز به هم ریخت و ارزش پول ملی کشور روز به روز افت کرد، راغفر از جمله اقتصاددانانی بود که با روند افزایش قیمت دلار به شدت مخالفت می‌کرد. به عنوان مثال می‌توان به گفتگوی او با روزنامه شرق در ۱۷ شهریور ۱۳۹۰ اشاره کرد که او افزایش قیمت دلار را عامل «له شدن کم‌درآمدها» خوانده و نسبت به کاهش ارزش پول ملی هشدار داده بود. این چهره اصلاح‌طلب در آن گفتگو به صراحت اظهار داشته بود که «افزایش نرخ ارز باعث افزایش شدید قیمت کالاها در داخل می‌شود که نه تنها سبب کاهش رفاه اجتماعی، گسترش فقر و افزایش نابرابری‌ها می‌شود، بلکه قدرت تولیدکنندگان برای بازارهای داخلی را نیز در مقابل کالاهای خارجی به شدت متزلزل می‌کند. نتیجه آن، افزایش تعطیلی واحدهای تولیدی در داخل و گسترش رکود می‌شود... افزایش نرخ ارز اگر تاثیر مثبتی داشته باشد، در نظم کنونی کشور ما، قطعا به نفع طبقات خاصی از منتفعان کنونی است و بدون تردید به زیان طبقات کم‌درآمد است.»

اما گویا دیدگاه این اقتصاددانان نسبت به نوسانات نرخ ارز با تغییر دولت، تغییر کرده چرا که او این روزها دیگر مخالف کاهش ارزش پول ملی نیست و اتفاقا از افزایش قیمت دلار، حمایت هم می‌کند.

در حالی که در روزهای اخیر شاهد موج انتقادات نسبت به اظهارات رئیس کل بانک مرکزی در مخالفت با کاهش قیمت دلار بودیم، راغفر به حمایت از این اظهارات پرداخته است. به گزارش روزنامه آفتاب یزد راغفر گفته است: «در حال حاضر قیمت دلار باید حول و حوش ۳۱۰۰-۲۸۰۰ باشد و این که رئیس کل بانک مرکزی گفته نباید دلار بیش از این پایین برود کاملا درست است.» اگر استدلال سال ۹۰ آقای راغفر درست بوده باشد، پس کاهش قیمت دلار باید به نفع اقشار کم‌درآمد باشد، بنابراین چرا ایشان به زیان این اقشار، موضع می‌گیرند؟ شاید تناقض اظهارات آقای راغفر درباره نرخ ارز را باید به پای تغییر دولت گذاشت.

کیهان و خوانندگان

۳۳۱۱۰۰۶۵ ساعت ۳ تا ۶ بعدازظهر
۳۳۹۱۶۵۴۶ تمام ساعات شبانه‌روز
سامانه پیام کوتاه ۳۰۰۰۲۳۲۳

* می‌خواهیم این را بگوییم که با هر زبانی با استکبار و اذناب آن سخن بگوییم گوش شنوایی نیست و همه می‌دانند اهداف نظام مقدس اسلامی ظلم‌ستیزی و همراهی با مظلوم است و هرگونه تغییر در این اصول ناممکن. بعید است که شیطان بزرگ فقط به خاطر تغییر لحن‌ها به مکالمه تلفنی ترغیب شده باشد. ملت منتظر بود آقای روحانی مدال قهرمانی را در نرمش قهرمانانه به گردن آویزد خدا کند که هزینه این مکالمه برای مردم گران تمام نشود تا ۱۳ آبان فرصت پاسخگویی و جبران هرگونه خسارت را داریم.

محمودی

* من که تا هفت پشتم متاسفانه شهید نداده‌ام، دارم از حرکات دیپلماسی کشورمان در آمریکا سکته می‌کنم نمی‌دانم خانواده شهدا چه می‌کشند؟ از لبنان تا ایران این همه مسلمان حق‌طلب به شهادت رسیده‌اند که ما برای اثبات حقانیت خودمان با دشمن قسم خورده اینگونه عمل کنیم؟

شاهین حیدری از شهرکرد

* به مسئولین قوه مجریه عرض می‌کنم رابطه با شیطان بزرگ و این تروریست بالذات به قول امام راحل(ره) هیچ نفعی به حال ملت و کشور ندارد. و قطعا ملت نیز با آن همراه نخواهد بود. انتظار می‌رود براساس فرمایش رهبر معظم انقلاب اگر در جایی ضرورت داشت از نرمش قهرمانه استفاده شود ولی مطمئنا در همه جا این ضرورت حس نمی‌شود.

اسکویی از آذربایجان شرقی

* وقتی هنوز دستان سران آمریکا و صهیونیسم جهانی به خون ملت ما و مظلومین جهان آغشته است اظهار علاقه به آمریکایی‌ها و اسرائیل خواندن صهیونیست‌ها و حتی دست دادن با این جنایتکاران توسط بعضی از کارگزاران کشورمان آیا جز عقب‌نشینی از اصول معنای دیگری دارد؟

۰۹۱۱---۹۳۷۱

* مرحوم دکتر شریعتی گفته بود پای هیچ عهدنامه ننگینی امضاء هیچ روحانی نیست، لذا آقای روحانی در موضوع هسته‌ای مراقب این قاعده تاریخی باشد.

۰۹۱۲---۲۹۲۶

* چرا مسئولین کشور بویژه در دیپلماسی کشورمان اکراه دارند وقتی نام رژیم غصب کننده سرزمین فلسطین را می‌برند از عبارات بامسمایی مثل رژیم صهیونیستی، رژیم کودک‌کش، رژیم غاصب و... استفاده کنند؟

۰۹۳۸---۸۰۷۱

* آقای سیف رئیس بانک مرکزی به چه دلیل گفتند کاهش نرخ ارز تاثیرات منفی دارد؟ جز آنکه دست واسطه‌های بانکی که در بیرون از حیطه بانکها خرید و فروش می‌کنند و رانت‌خواری‌ها از بین رفته و ارزش پول ملی کشور افزایش خواهد یافت!

رضا سرابیان

* رئیس‌کل بانک مرکزی، برای بار دوم با اظهارات خود مانع پایین آمدن نرخ ارز در بازار شده در حالی که حسب نظر کارشناسان نرخ واقعی ارز نزدیک به نرخ رسمی مرکز مبادله ارز است. او گفته که کاهش بیش از این اندازه نرخ ارز تبعات منفی در بردارد. ولی به نظر می‌رسد این تبعات منفی برای نوکیسه‌های تازه به دوران رسیده است آیا ایشان می‌خواهد جلوی ضرر آنها را بگیرد؟

مظفری - عباد - اهواز و چند تلفن دیگر

* نهایت تدبیر را در همین روزهای آغاز به کار دولت تدبیر و امید باید دید که رئیس‌کل بانک مرکزی به نفع کلان سرمایه‌داران اعلام می‌کند که کف نرخ نباید از این کمتر شود. و فردای آن سخنگوی دولت آن را تکذیب می‌کند. واقعا با این همه تدبیر چه باید کرد.

یک شهروند

*حال که قرار است ارزش پول ملی ما بالا برود مسئولان بانک مرکزی به جای دلسوزی و حمایت از پول ملی چرا این قدر برای پول ملی آمریکا دل می‌سوزانند. حال که قرار است قیمت دلار توسط بازار تعیین شود چرا آقای سیف نگران هستند. اگر تدبیر این است ما این تدبیر را نمی‌خواهیم.

میرزاخانی و چند تلفن دیگر

* وقتی قیمت دلار در گذشته به ۲۴۰۰ تومان رسید روزنامه‌های زنجیره‌ای و اصلاح‌طلبان نوشتند: «فاجعه ملی!» ولی حال که قیمت دلار در حال سقوط است و رئیس بانک مرکزی اعلام می‌کند نمی‌گذاریم دلار ارزان شود چه می‌نویسند؟ از آن طرف گرانی حبوبات، لبنیات و میوه که در فصل برداشت آن هستیم را شاهدیم یعنی از هر دو طرف به دنبال فشار بر مردم هستند.

گلرنگی از قم

* آقای هاشمی گفته است اگر ۸ سال گذشته نبود نظام به اوج قدرت می‌رسید؟ به ایشان عرض می‌کنم چرا چشم‌های خود را بر روی واقعیت‌ها می‌بندید که دانشجویان و دانشمندان هسته‌ای ما با زحمات طاقت‌فرسا ما را به این مرحله از رشد رساندند. چرا دل خانواده‌های شهدا را می‌شکنید؟!

جواد اخلاقی یزدی

* لطفا قوه قضائیه نام ۶ قاضی دادگستری که از منصب قضا برکنار شدند را اعلام کند. این کار برای دلگرمی و آگاهی مردم خوب است.

سعید فراهانی

* از رئیس آموزش و پرورش اراک درخواست می‌شود مدیرانی برای مدارس به‌ویژه مقطع ابتدایی انتخاب نمایند که علاوه بر توان مدیریتی از حسن خلق بالایی برخوردار باشند تا نسبت به جذب نونهالان به درس و مدرسه این آینده‌سازان کشور موفق باشند متاسفانه برخی مدیران مدارس ابتدایی از جمله دبستان [...]در شهرک فاطمیه اخلاق بسیار تندی دارند که نه‌تنها دانش‌آموزان بلکه معلمان نیز از اخلاق‌شان بیزارند.

یکی از معلمان مدرسه...

* یکی از ساکنان منطقه ۳ هستم در روز ۳۱ شهریور فرزندم را برای کلاس اول به یکی از مدارس دولتی بردم. مدیر مدرسه در بدو ورود اعلام کرد معلم کلاس اول نداریم و هر ولی دانش‌آموز نفری ۱۵۰ هزار تومان پول بدهد تا بتوانیم برای آنها معلمی پیدا کنیم ضمنا یک هفته هم معلم نداریم و بچه‌های خود را در منزل نگه دارید. وقتی با منطقه هم تماس گرفتیم تایید کردند این مدرسه ۸ معلم کم دارد و ما چاره‌ای جز صبر نداریم.

۰۹۱۲---۹۰۴۰

* هنوز یک هفته از بازگشایی مدارس نگذشته که مدیر برخی از مدارس به خصوص در منطقه ۱۶، نفری ۲۰ هزار تومان از هر دانش‌آموز در یک مدرسه دولتی پول خواسته‌اند. لطفا در این خصوص پیگیری کنید.

یکی از اولیا

* فاز اول پروژه ۸۰ واحدی مسکن مهر شهر فریدونکنار استان مازندران در سال ۸۶ شروع به فعالیت نمود و قرار شد در سال ۸۹ با پرداخت ۷ میلیون دیگر از طرف اعضا تحویل گردد ولی متاسفانه با پی‌گیری‌های متعدد تا به حال هیچ پاسخی قانع‌کننده به اعضا نمی‌دهند یعنی با گذشت بیش از ۳ سال از موعد تحویل مبلغ ۷ میلیون تومان اعضا نیز به ۱۹ میلیون افزایش یافته که باید بپردازند. از وزارت راه و شهرسازی درخواست می‌شود مشکل اعضای این پروژه را مرتفع نمایند.

حسن محسن‌پور

پاسخ روابط عمومی شهرداری منطقه یک

در پاسخ به مطلب مندرج در روزنامه مورخ ۹۲/۵/۲۱ با موضوع «عملیات پیاده‌راه میدان تجریش تا میدان قدس» بدینوسیله ضمن تشکر از این شهروند گرامی به آگاهی می‌رساند؛ طبق گزارش معاونت فنی و عمرانی این منطقه پیاده راه حدفاصل میدان تجریش تا میدان قدس توسط سازمان زیباسازی شهر تهران در حال طراحی است و در خصوص لایروبی مسیلها و رودخانه‌ها نیز براساس اعلام مسئول اداره مسیلهای این منطقه طبق برنامه زمان‌بندی شده، پاکسازی و لایروبی انجام می‌شود. ضمنا با توجه به احداث حوضچه‌ها ورسوبگیرها در سرچشمه مسیل‌ها و پاکسازی مستمر آنها در صورت رعایت نکاتی از قبیل عدم تخلیه خاک و نخاله و ضایعات از سوی شهروندان به داخل مسیل‌ها و رودخانه‌ها خطری متوجه شهر نخواهد شد.»

بقیه در صفحه ۸